

دیو هنری وزارت
و دارالتالیف ریاست



برای صنف اول ابتدائی

مؤلف : محمد آصف مائل

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

Kabul, 30.8.1966.

Na pamiątke dobrej
współpracy w kraju
- PRE "Elektromontazh" w Pżusku
szkolenia dyrektora
mgr Jerzego Gzieszkiewicza
w elementach i przy
farsi -

Jerzy Gzieszkiewicz
delegat elektromontażu
i Elektryku w Afganistanie





داد او

آب داد. او آب داد.



واه	واه	واه
داد.	آب	داده
داد.	آب	بابا



بابا بوت داد.
داده توت داد.



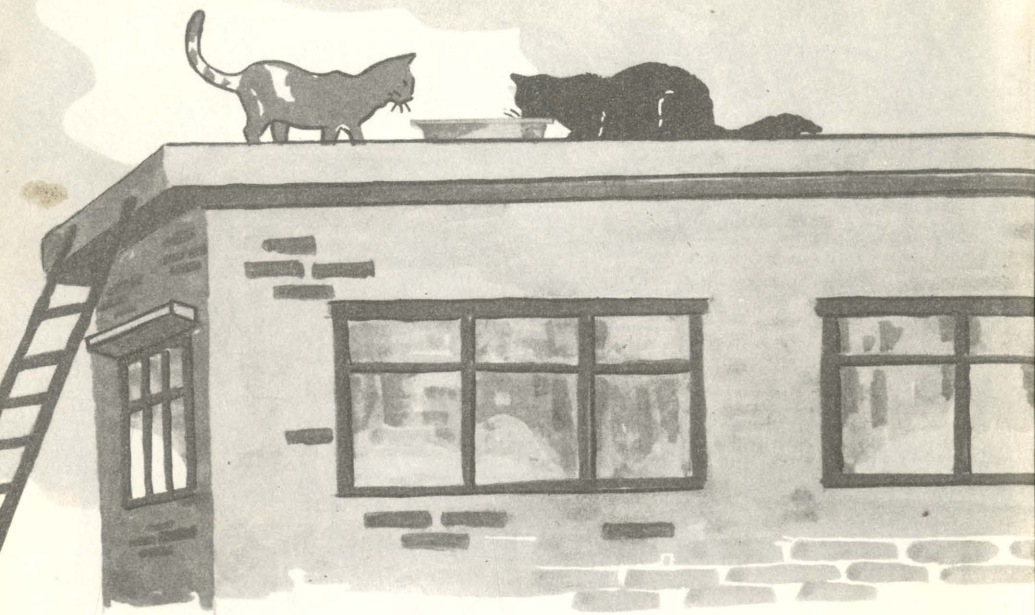
دار

بار را آورد.
تبار را آورد.



آواز

او آواز داد.
بابا باز را آورد.



بام

بام	راه	دارد.
ماما	آب	داد.



داد .	آواز	زاع
دارد .	زاع	باغ
دارد .	غوره	باغ



بال

دارد.	بال	زاغ
دارد.	مال	بابا
دارد.	آلو	باغ

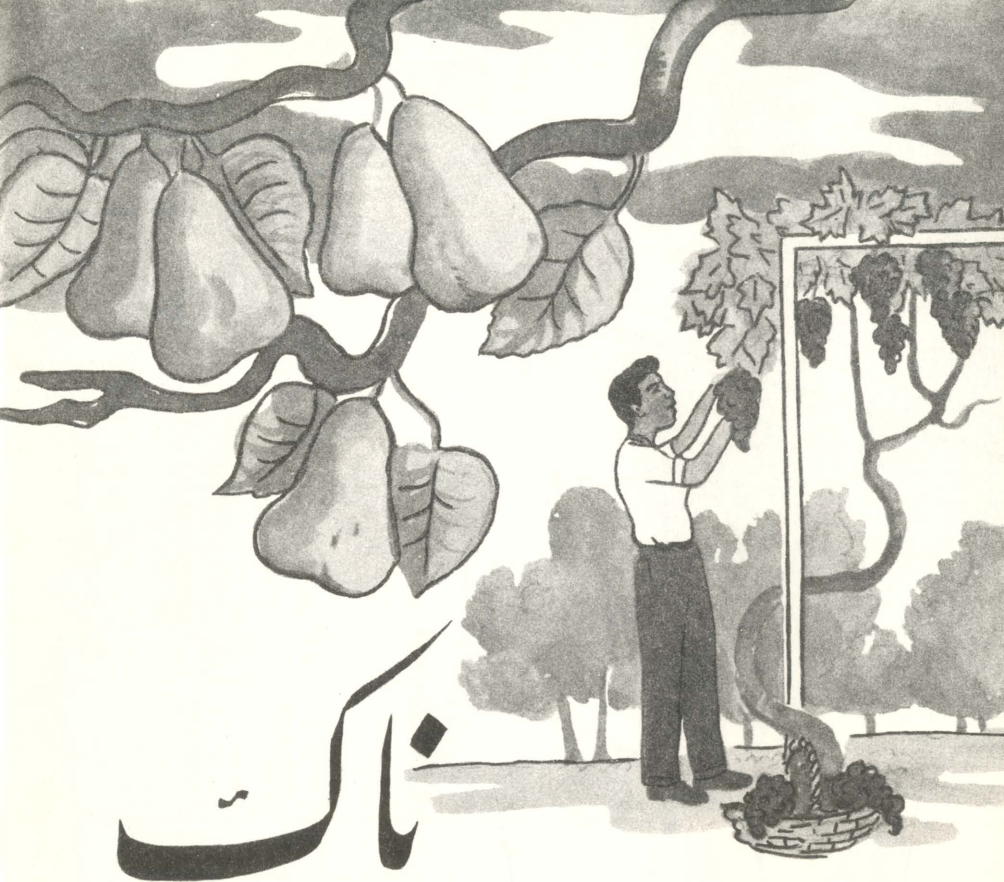


آن

آورد.	نان	ماما
داد.	نان	زایغ را
دارد.	نول	آن زایغ



ماما داس دارد .
باغ سایه دارد .



نَک

نَک	آب	دارد.
باغ	نَک	دارد.
کا	کار	دارد.



واخ

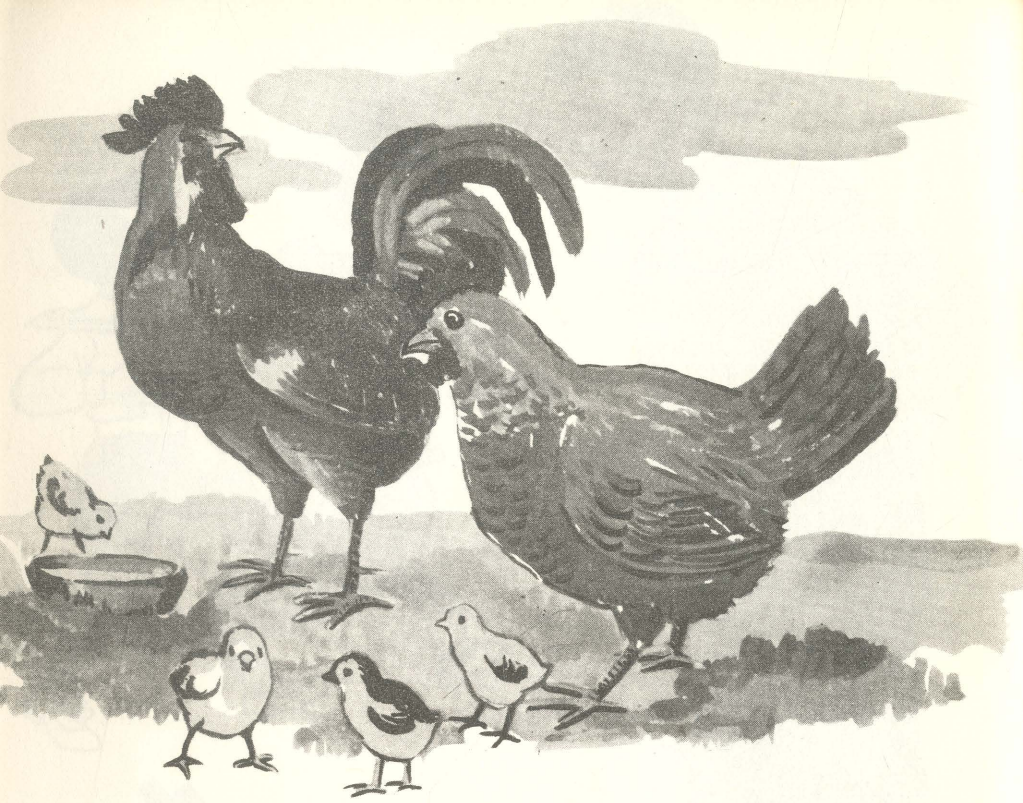
زاد نول زانغ
آورد خار خمر



آش

آش را خوش دارم

ماش را خوش دارم



تاج

خروس تاج دارد .
جام آب دارد .



توپ

بابا
توپ را خوش
آورد.
دارم.

سلاج

سلاج بال دارد.

آش مچ دارد

بادام پیوچ بود.



چاق

آقا چاق بود.

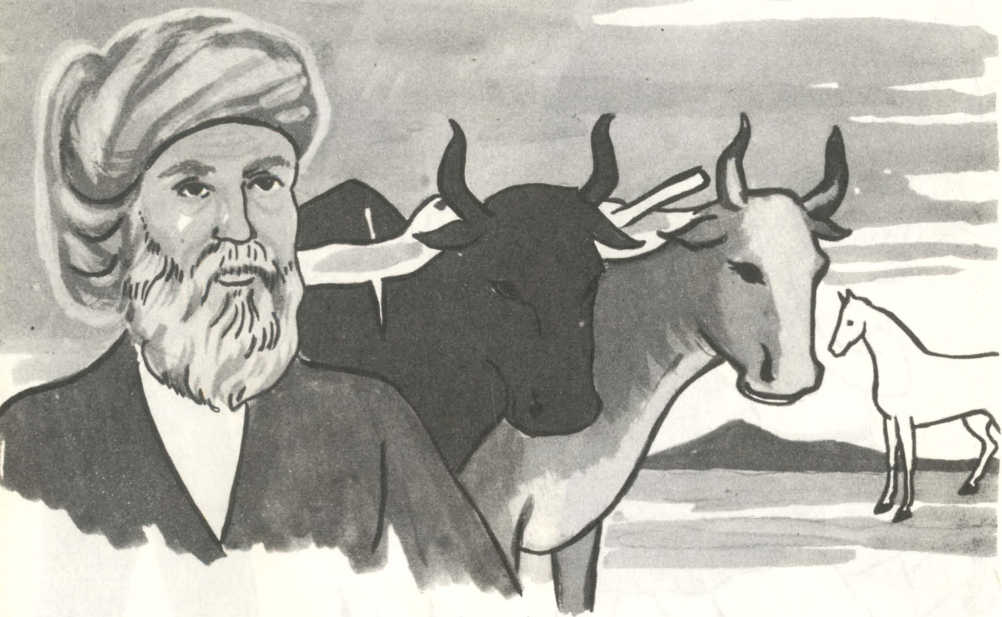
آقا نان

چاق قاق بود.



برگ

دارد .	برگ	باغ
دارد .	شاخ	گاؤ



روی

روی او موی دارد.
گاو او یوغ دارد.
گل بوی خوش دارد.



لا لا کالا آورد .
 لا لا آب را بالا آورد .
 لا لا توپ را لول داد .

خلاص

واه واه

کار خلاص شد.

صابون کالا را پاک کرد.



صاف

جام آب صاف دارد.

او فالوده را خوش دارد.





خیاط

خیاط کالا را آورد.
 خیاط دو طوطی دارد.
 طوطی را خوش دارم.



فتاح

فتاح باغ می رود.
واحد زناغ دارد.





حوض

باغ حوض دارد.
 حوض آب دارد.
 فاضل اورا قرض داد.

وداع



عارف به ده رفت .
با برادر وداع کرد .



لحاظ

ظاہر دو برادر دارد.

ناظر لحاظ اورا دارد.



غیاث خیاط است.
آب دادن ثواب دارد.
او غوث نام دارد.

استاذ



استاذ مارا کاغذ داد.
آذر کاغذ آورد.



ٲاله

ٲاله	می	ٲارد.
اٲرد	یال	دارد.
ٲاله	آب	دارد.

ا	ب	پ	ت	ث
ج	چ	ح	خ	د
ذ	ر	ز	ژ	س
ش	ص	ض	ط	ظ
ع	غ	ف	ق	ک
گ	ل	م	ن	و
ه	لا	می		

باران

در بهار باران می بارد .

باغ سبز می شود .

بته ها برگت می کند .

گلاب باز می شود .

سیب و بادام می براید .



دیروز هوا سرد بود
 باد می وزید .
 حاد سردرد بود .
 دکتر برای او دوا داد .
 دوا خورد جور شد .

هوا

هوای ده خوب است .

راه ده دور است .

ده باغچه های میوه دارد .

وهاب هر روز به ده می رود .

من هم سه ماه بهار ده می روم .



تابستان وقت توت است .
 تر بوز نخه می شود .
 تاک انگور می کند .
 هوا گرم می شود .



۹
بر

عزیز یکت بر دارد .
 با بر بازی می کند .
 سبزه تازه به او می دهد .
 عزیزه در باغ گاز انداخته .

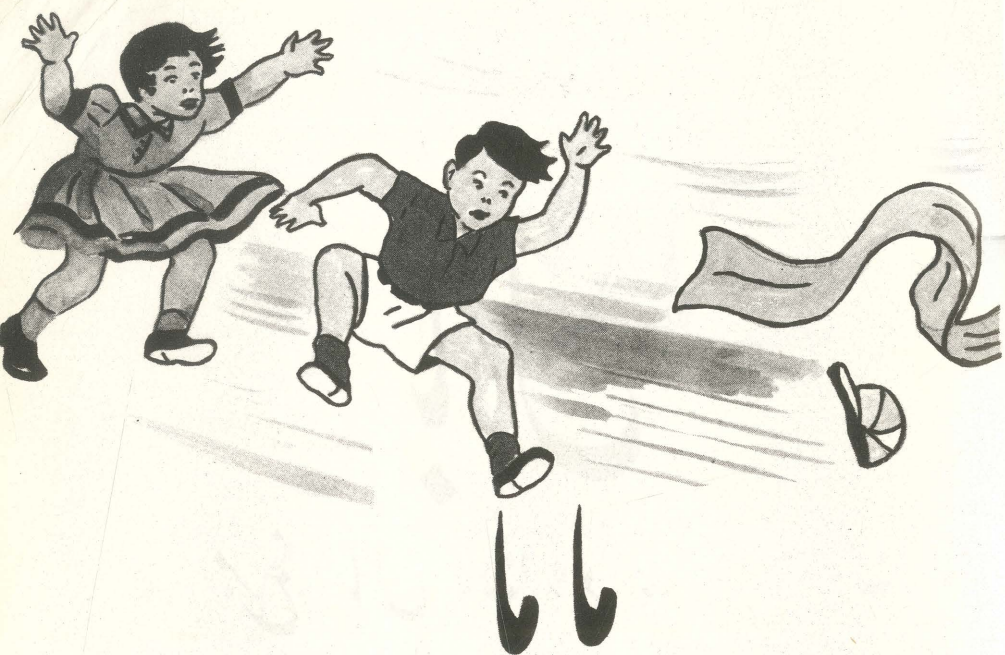
باغ

غنی بزغالہ خود را در باغ می برد .

غیاث مرغ های خود را می آورد .

با بزغالہ و مرغ ها بازی می کنند .

آواز غلغلہ شان تا بیرون باغ می رود .



احمد خانۀ مامای خود می رفت .
ماه رُخ هم همراهش بود .
شمال کلاه احمد را پراند .
ماه رُخ که پس کلاه دوید
چادر او هم به هوا شد .

بال

مرغ بال دارد .

گل گلاب خوشبو است .

بالا پوش علی کلان است .

خالق قد بلند دارد .

کابل شهر کلان است .

نان

من هر روز نان می خورم .

نان را با دندانها خوب می جوم .

جویدن نان در دهن فائده دارد .

انسان را تندرست می سازد .



کتاب اول آسان است .
مکتب برای ما کتاب می دهد .
مکتب چوکی های زیاد دارد .
باغچه مکتب تاک دارد .
مکتب آمدن کار خوب است .



شاکر به خانه شریف مهمان بود .
 پشت و خرگوش خود را هم آورد بود .
 شریف برای شان آش پخته بود .
 شادی شریف مهمان داری می کرد .
 تماشا کنید پشت و شادی چه می کنند .

حسن

حسن در باغ خانه خود یکت حوض دارد .

هر روز صبح با محمود در باغ می رود .

در حوض آب بازی می کنند .

حسن یکت بچه بسیار با حیا می باشد .

چاه

آب چاه و چشمه صاف است .

از چاه با چرخ آب می کشند .

چار بچه از چشمه آب می برند .

از راه چمن خانه می روند .



قمری

رازق یک قمری دارد .
قمری را در قفس انداخته است .
رازق که صبح وقت سبقت می خواند
قمری او هم غمگین می زند .



شاپور یک آشنیز پیر دارد .
 این آشنیز یک پشت دارد .
 پشت یگان روز خپ خپ می آید
 و دیکت بابہ گیکت راجپہ می کند .



خر محمد خرگوش دارد .
برای خرگوش خود تخت خواب ساخته .
بر تخت او را خواب می دهد .
شال سرخ بالایش می اندازد .
رخت خواب او را آفتاب می دهد .

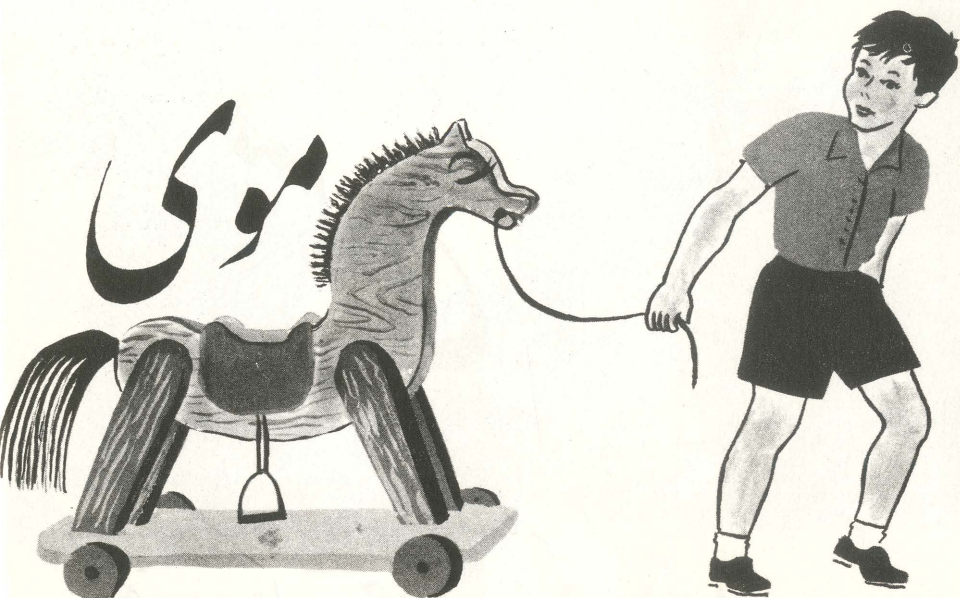
تاج

نخف چار جوره مرغ دارد .

خروس او تاج دارد .

جو و جواری می خورند .

چوپه ها یک جا دانه می خورند .



ایوب یک اسکت چوبی دارد .
 از مومی اسپ برای او یال تیار کرده
 بالای میز او را می گذارد .
 اسکت را زین می کند .
 این طرف و آن طرف می دواند .



گل جان یک گبی دارد .
گبی را سگ او کش می کند .
گدی خواهر خود را در آن می نشاند
چار گرد سرای می گرداند .

برف

هفت نفر دور یک میز نشسته اند
با قاشق فالوده می خورند .
شریف به سگ سفید خود برف می دهد .
سگ شریف برفی تمام دارد .
برفی برف نمی خورد .

صاف

صابر هر صبح از مادرش رخت میگیرد .
با ناصر طرف چشمه می رود .
آب صاف می آورد .
چشمه از ده صد قدم فاصله دارد .
ناصر و صابر در راه قصه کرده می روند .



ضیا یک پشک و یک شادی دارد .
پشک او یک روز مریض شد .
ضیا مرض او را نمی دانست .
شادی گفت ضرور مرضی او دانسته شود .
گوشت داکتر را گرفته او را دید
و گفت مرض او از کم خوراکي است .



خیاط

ظاهر خیاط است .
یک طاوس و یک شادی دارد .
برای شادی پتلون دوخته است .
شادی طولی می زند .
طاوس بازی می کند .

غیاث

غیاث یک بچہ بسیار خوبست .

روز خود را عبث تیر نمی کند .

غوث ہم مثل غیاث با اخلاق است .

ہر کار کہ ثواب دارد می کند .

ذاکر

ذاکر یک آدم برنی ساخته است.

به جای چشم آن دغال گذاشته.

در دهن او کاغذ سرخ مانده است.

نذیر هم برای تماشای آن آمده است.

عید

روز عید عارف خانہ عمہ خود رفتہ بود
عمہ عارف اور ایک عکہ داد .
عکہ عکس خود را در آئینہ دید
بعد از بسیار قق قق با عکس خود
شروع بہ جنگ کرد .

ژاله

ژاله مثل یکه های یخ سفید است .

فالوده ژاله خوش مزه است .

کوچی ها غرذمی دارند .

غرذمی مثل خمیه است .

افغانستان

افغانستان وطن عزیز ماست .

هر کس از افغانستان است افغان است ما همه

افغان هستیم ما افغانستان را بسیار دوست داریم

وطن ما غیر از شهر ما دیگر شهرهای کلان

نیز دارد .

کابل یک شهر کلان است پادشاه مهربان مادر کابل

تشریف دارند ازین بسبب کابل را پایتخت افغانستان

میگویند .



سیاه و سُرخ و سُبز رنگ است	بیرق ما چه خوب قشنگ است
هست عزیز تر از جان ما	محراب و سُبز نشان ما
سلام و احترام می کنیم	پیش بیرق سلام می کنیم
بیرق ملک آن بلند است	همت قوم اگر بلند است
بیرق ما بلند بادا	همت ما بلند بادا

پادشاه



پادشاه مهربان ما علیحضرت

محمد ظاهر شاه است . برای ما

مکتب های بسیار خوب ساخته است

کتاب ، قلم و کاغذ برای ما میدهند

معلم برای تعلیم ما مقرر فرموده اند

پادشاه عزیز ما شاگردان مکتب را بسیار دوست دارند

مکتب های ما را ترقی میدهند . ملک ما را آباد می سازند

ما پادشاه خود را بسیار دوست داریم

زنده باد پادشاه مهربان ما

بچه خوب

سلام بهر کلان میدهد	بچه خوب سلام میدهد
سلام بهر کلان میدهد	دختر خوب سلام میدهد
سلام به هم صنفان میدهد	صبح که مکتب می رود
سلام به مادر جان میدهد	چاشت که خانه می آید
سلام به بابا جان میدهد	شب که خانه بابا جان آید
دختر خوب سلام میدهد	بچه خوب سلام میدهد

شستن دندانها

من هر روز که از خواب می خیزم دست
و روی خود را می شویم باز دهن و
دندانهای خود را می شویم .

هر کس دندانهای خود را نشوید دهان
او بوی بد می دهد .

هیچ کس او را خوش ندارد .



ایلیحضرت محمد نادر شاه غازی

نام پدر پادشاه مهربان ما
محمد نادر شاه غازی است .

محمد نادر شاه غازی برای وطن
ما استقلال حاصل کرده است .

محمد نادر شاه برای ما خدمت

های بزرگ کرده است ، مکتب های زیاد باز کرده

است ، شفاخانه ها ، پل ها و سربک ها ساخته است .

و وطن ما را آباد ساخته است .

ترانه استقلال

شکر استقلال داریم
جشن هرسال داریم
در راه استقلال خود
جان و سر و مال خود

می‌کنسیم قربان

می‌کنسیم قربان

گر به قصد خاک ما
دشمن ناپاک ما
پیش آید یک قدم
می‌کنیم پایش قلم

می‌بریم پای ما می‌او

می‌بریم پای ما می‌او

گر به سوی خاک ما
دشمن بیدادگر
تیر می‌زند یک نظر

می‌کشیم چنان او

می‌کشیم چنان او

شکر استقلال داریم
جشن هرسال داریم
در راه استقلال خود
جان و سر و مال خود

می‌کنسیم قربان

می‌کنسیم قربان



تجۀ افغان

ما مردم افغانیم صد شکر مسلمانیم
در مردی و سربازی مشهور جهانیم

مشهور جهانیم بند و خدا خود را
میگوئیم و میبدانیم در پابندی به دین خود
مشهور جهانیم

مشهور جهانیم ما جمله شاگردان
اولاد ظاهر خانیم در دوستی شاه خود
مشهور جهانیم

مشهور جهانیم از بهر سبق مکتب
می آئیم و می خوانیم در کوشش و دانائی
مشهور جهانیم

مشهور جهانیم

سال

یک سال دوازده ماه است . یک ماه سی روز
است . هر سال چار فصل است . هر فصل سه ماه
است . هفت روز یک هفته است . هر هفته
هفت روز است . یک شبانه روز بیست و چار
ساعت است . هر ساعت شصت دقیقه است .
مادر یک دقیقه از یک تا شصت را حساب
کرده می توانیم .

آفتاب

آفتاب که برآمد روز می شود دنیا را روشن می کند .
آفتاب هر روز از یک طرف می براید و هر شام بطرف
دیگر می نشیند و قتیکه آفتاب نشست شب میشود شب
برای استراحت است . طرف آفتاب برآمد را
مشرق و طرف آفتاب نشست را مغرب می گویند .
اگر آدم رو بطرف آفتاب نشست استاده شود پشت سر
آن مشرق ، پیش روی آن مغرب است ، طرف
راست او شمال و طرف چپش جنوب گفته می شود .

فصل

یک سال چار فصل است : بهار ، تابستان ، خزان
زمستان . هوای بهار بسیار خوب است ، درین فصل
باران می بارد ، درخت ها شکوفه می کند .

هوای تابستان گرم است میوه ها درین فصل پخته می شود .
در فصل خزان مثل اول بهار هوا خوب است مگر در آخر
های این فصل هوا سرد می شود برگ ها می ریزد .
زمستان فصل خنک و برفباری و یخ بندی است .
روز های زمستان کوتاه و شبهای آن دراز می باشد .

توضیحات برای مقلین

از آنجا که خط عربی با ساس فونِتیک^۱، توافقی ندارد لهذا عباراتی که با این خط تحریر یافته باشد و کلماتی که مرکب از چهار، پنج حرف صامت یعنی بی آواز بوده نوشته آن با صورت تلفظ مطابقت نینداشته باشد در آن بیشتر نظر میخورد. مثلاً: عسکر، عرب متخصص، گندم. (عسکر = ع + س + ک + ر) چهار حرفی که عسکر از آن تشکیل یافته است تماماً صامت میباشند. اگرچه الفبای فارسی در اصل مرکب از ۳۲ حرف است ولی چون در الفبای ستم مرکبات عمومیت دارد الفبای این زبان^{۱۶۰} شکل جداگانه را بوجود آورده است و آموختن اینقدر اشکال برای یک طفل بعفت ساله موجب مشکلات و تکالیف زیاد میگردد.

خلاصه: در این الفبا حروف مفرد، حروف متصله و حرکت حرفیه و حرکت رسمیه بگی وجود دارند. اینک روی مراعات همین خصوصیت و اشکال حروف الفبای عربی سنده در مقابل ما عرض وجود مینماید که در عمیقه تحلیل کلی به چهار با و حروف بچه طرز شکل آغاز نمائیم:

سنده تحلیل کلمات از نقطه نظر اصول آنقدر مهم است که اگر الفبای عربی مطابق بنیه و ساختمان خصوصی حروف بصورت صحیح ترتیب و تقسیم شده بتواند نسبت به اصول بغدادی نتایج مثبت بهتری از آن گرفته خواهد شد خصوصیات حروف الفبای عربی قرار ذیل است:

- ۱- حروف منفصله یا حروف مفرد = ۳۲ حروف مفرد از الف تا یا، ا، ب، ت، الخ.
- ۲- حرکت حرفیه (و، ی، ا، ه) یعنی حروف صامت (صدادار) میباشد. کلماتی که در آن حرکت حرفیه موجود باشد طوری که نوشته شده باشد خوانده میشود میتواند. طوری که خوانده میشود نوشته شده میباشد مثلاً: آب دادر، دار، زراغ....
- ۳- حرکت رسمیه که عبارت از ضم، کسره، فتحه است مثلاً ب ب ب چون تونین صرف در کلمات عربی استعمال میشود درین کتاب از آن ذکر نشده است.

۱، کلماتی که درین نوشته تلفظ آن فرق نباشد با ساس فونِتیک موافق است مثلاً آب که بغیر از همین شکل تلفظ شده نمیتواند.

بنابر علیه از روی این خصوصیات الفبای جدید را بدو حصه تقسیم نمودیم :

قسمت اول : حروف مفرد و حرکت حرفیه :

قسمت دوم : حروف متصله و حرکت رسمیه .

قسمت اول

حروف مفرده :

حروف مستطیکه تنادب اصلی خط از آن تشکیل می یابد حرف مفرد است و حروف مفرد و حروف ذیل است :

ا ، ب ، پ ، ت ، ث ، ج ، چ ، ح ، خ ، د ، ذ ، ر ، ز ، ژ ، س ، ش ، ص ، ض ، ط ، ظ ، ع ، غ ،

ف ، ق ، ک ، گ ، ل ، م ، ن ، و ، ه ، ی .

حروف مفرد و کلماتیکه در قسمت اول کتاب وجود دارند مطابق پنج اساس ذیل تنظیم و ترکیب یافته است .

۱- در مرحله اول کلمات از حروف بحال مفرد تشکیل یافته است مثلاً : آب داد .

۲- هر کلمه طوری ترتیب شده است که یک حرف صدا در درین دو حرف بی صدا واقع شده تا بدون حرکات شکل و اصدا خوانده

شده بتواند مثلاً : زاغ ، دار .

ز = صامت
ا = صامت
زاغ
غ = صامت

۳- دو حرف صامت پهلوی پهلوش : ح ، ز ، ت = عزت . گ ن د م = گندم . در اینجا وجود ندارند

زیرا که این کلمات ، بدون حرکات صحیح خوانده شده نمیتوانند .

۴- حرکیکه اظهار آن مطلوب باشد در آخر کلمه آورده شده است مثل آب داد .

۵- هر کلمه بطور اعطی دارای یک یا دو بجا میباشد مثلاً : دار ، داس ، آواز

در کس مندرجه قسمت اول این کتاب الفبا مخصوصاً ، تمرینات ابتدائی آن بر روی همین پنج اساس تنظیم یافته و هر درس جدید

مربک از حروفی است که در درسهای گذشته شناخته شده و تنها یک حرف جدید بر آن علاوه گردیده است .

در دوسمیه اول کتاب جدید الفبا را که از حروف مفرد و مطابق پنج اساس فوق ترتیب یافته است برای اینکه خوبرو قریب الفهم شده و بتواند بطور مثال در ذیل نشان میدهم .

۵	۴	۳	۲	۱
آواز	واه	او	داد	آب
	واه واه واه	او آب داد	آب داد	
	داده آب داد			

اگر در قسمت اول این الفبا عوض حروف مفرد و حروف متصله استعمال میکردیم شکلات ذیل بمقابل مانظوری نمود : مثلاً ، کلمه « من ، را با فرض درس اول قبول نناتیم این کلمه م ، ن من است حالانکه حروف م ، ن شکل متصل حروف م ، ن میشد و کلمه من بدون معاومت حرکات خوانده شده نمیتواند باستعمال حرکات بچندین صورت مختلف تلفظ میشود

مثلاً - مَن ، مِیْن ، مَن ، حالانکه اگر در عوض مَن کلمات « دام » ، « آن » را استعمال می نمودیم هم حروف مفرد و هم حرکت حرفیه مشترکاً ، بموقع استعمال گذاشته میشدند و بجز نیک شکل واحد دیگر شکل خوانده شده نمیتوانستند از این رود در قسمت اول کتاب جدید الفبا مختصراً ، حروف مفرد و حرکت حرفیه اول از اول نشان داده شده است . و حروف متصله را به قسمت دوم گذاشته ام . خلاصه در قسمت اول ۲۲ حروف مفرد از الف تا یا پذیریه ۳۲ درس هم بطور متقل و هم در بین کلمات نشان داده شده اند .

حرکت حرفیه :

حرکت حرفیه حروف صامت الفباست ، حرکت حرفیه حروف (و ، ی ، ا ، ه) میباشد . حروف متبای این الفبا حروف صامت بی آواز میباشد . نشان دادن حرکت حرفیه با حروف مفرد و بصورت مشترک و آوردن آن ها قبل از حرکت رسمیه علمی دارد که ذیلاً ذکر می شود :

- ۱- حرکت حرفیه نیز از جمله حروف مفرد است و در درس اول کتاب در جمله حروف دیگر یاد داده می شود .
- ۲- حرکت حرفیه نسبت به حرکت رسمیه مشخص تر است .
- ۳- کلماتیکه در بین آن حرکت حرفیه استعمال شده است طوریکه تلفظ می شوند تحریر کرده می شوند و طوریکه تحریر یابند

تلفظ کرده می شوند مثلاً : آب داد .
(بابا آب داد)

از این رو کلماتیکه نوشته و تلفظشان با هم مطابقت ندارد یعنی نوشته می شوند چیزی و خوانده می شوند چیز دیگر و گفته می شوند چیزی و آنطور نوشته شده نمیتوانند کلماتیکه از قبیل من ، گندم ، معرفت ، واضح تر میباشند .
بملاحظه این سهولت حرکت حرفیه باید بیشتر از حرکت رسمیه بشناگردان نشان داده شود .

قسمت دوم

حروف متصله : این قسمت را حصه دوم دروس کتاب الفبا تشکیل میدهد ، درین قسمت بر کلماتیکه در قسمت اول از نظر اتصال مرور کرده است کلمات متصله علاوه گردیده است و برای خوانا گردانیدن حروف بی آواز صامت از حرکت رسمیه استفاده بعمل آمده .

حروف متصله برای نشان دادن صورت اتصال حروف که در اول و مابین و آخر کلمات می آیند به قسمت دوم کتاب گذشته شده است دروس حروف متصله طوری ترتیب یافته است که در هر درس شکلهای مختلف یک حرف در حال ترکیب نشان داده شده اگر معلم تقریباً مندرج این قسمت را بطلب دست بنماید و بدروس قسمت سوم کتاب انتقال نماید ضرورت تقریباً جداگانه برای اواباقی نمائند .
شماره اشکال مختلف حروف بصورت مرکب خوب آشنا شده میباشد زیرا که هر بحث به مانند سلسله با بحث ماقبل خود مربوط است .
حرکت رسمیه : برای خواندن حروف صائیکه پهلوی هم آمده باشند بکار میروند مثلاً در کلمه حروف میم و نون هر دو حرف صامت اند و بواسطه فتح با هم مربوط گردید و کلمه من از آن تشکیل یافته است . حرکت رسمیه این است (م) (ن) (و)
(ب) (پ) (ب) .

مولفان

محمد آصف مائل و نصرت قریب

۱۰۶۶۰۰

د طبع شمېر

د فرانکلن دانتشاراتو موسسه، کابل

د پوهنې مطبعه